

ارسال: ۱۴۰۴/۵/۲۵

پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۷

doi 10.22034/nf.2026.541099.1445

تضمین‌های ادیس بدلیسی از اشعار شاعران فارسی‌زبان در بهشت بهشت با تکیه بر اشعار حکیم نظامی

فهیمة سیفی نهانندی* (گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران)

مریم امیرارجمند** (گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران)

چکیده: تضمین از جمله آرایه‌ها و صناعات ادبی است که در نظم و نثر کاربرد بسیاری دارد. در متون ادبی این صنعت به‌منظور زینت متن و بیان تحکیم و تأیید مطلب به کار می‌رود. از جمله متونی که از این آرایه بسیار در آن استفاده شده هشت بهشت ادیس بدلیسی است. ادیس بدلیسی در جای‌جای این اثر سترگ، بنا بر مطلبی که ذکر کرده، به استفاده از آیات و احادیث و اشعار فارسی و عربی پرداخته است. از جمله شعرای ایرانی که وی اشعار آنان را در اثرش به کار برده است، می‌توان به نظامی، سعدی، حافظ، مولانا، جامی، کمال‌الدین اسماعیل و دیگران اشاره کرد. وی به‌ویژه در بهشت هفتم - دوران سلطنت سلطان محمد فاتح - اشعار خمسه حکیم نظامی گنجوی، شاعر بزرگ سده ششم هجری، را تضمین کرده است. نظامی یکی از بزرگ‌ترین شاعران فارسی‌زبان است که مهم‌ترین اثرش، خمسه، در ایران و خارج از ایران مورد توجه بسیار قرار گرفته است. آسیای صغیر از جمله سرزمین‌هایی است که توجه ویژه به نظامی و خمسه او داشته و با توجه به شهرت خمسه در این خطه، ادیس بدلیسی اشعار بسیاری را از او در متن هشت بهشت، به کار برده است. در مقاله حاضر، پس از ارائه تعریفی از آرایه تضمین و نظری کوتاه به بعضی اشعار فارسی بهشت هفتم هشت بهشت، به تعدادی از اشعار تضمین شده نظامی در این کتیبه پرداخته خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: تضمین، نظامی، خمسه، هشت بهشت، ادیس بدلیسی، سلطان محمد فاتح.

مقدمه

زبان فارسی از دیرباز در آسیای صغیر جایگاه ویژه‌ای داشته است. در عهد سلجوقیان روم، با اینکه به

* f_seifi2132@yahoo.com

** amirarjmand@riau.a.c.ir (نویسنده مسئول)

پنج زبان رومی، ارمنی، ترکی، عربی و فارسی در این سرزمین تکلم می‌کردند ولی زبان دیوانی و تألیف و تصنیف به زبان فارسی بود و نامه‌نگاری‌ها به این زبان صورت می‌گرفت (ریاحی ۱۳۶۹، ص ۲۳؛ همو ۱۳۵۰، ص ۸۰؛ مهدویان - نصیری ۱۳۹۳، ص ۳). آثار بسیاری به فارسی از این عهد باقی مانده است از جمله، ترجمه هدایة‌الغبی فی اخلاق‌النبی، اثر ابراهیم بن حسین قارصی؛ نه‌ایة‌الادراک، اثر قطب‌الدین شیرازی؛ اسئله و اجوبه، تألیف جمال‌الدین آقسرائی؛ کامل‌التعبیر، اثر حبیب بن ابراهیم تفلیسی؛ راحة‌الصدور و آية‌السرور، اثر راوندی و بسیاری آثار دیگر (آتش بی‌تا، ص ۵، ۵۴، ۵۸، و دیگر صفحات؛ ریاحی ۱۳۶۹، ص ۲۴-۲۵، ۴۰، ۴۷). تعدادی از سلاطین و وزرای این عهد نیز آثاری به زبان فارسی برجای گذاشته یا به فارسی شعر سروده‌اند از جمله، سلطان غیاث‌الدین کیخسرو اول (حک: ۵۸۸-۵۹۲ و ۶۰۱-۶۰۷ ق/ ۱۱۹۲-۱۱۹۶ و ۱۲۰۵-۱۲۱۱ م)، سلطان رکن‌الدین سلیمان (۵۹۲-۶۰۰ ق/ ۱۱۹۶-۱۲۱۰ م)، سلطان عزالدین کیکاووس اول (۶۱۷-۶۳۴ ق/ ۱۲۲۰-۱۲۳۷ م)، امیر کمال‌الدین کامیار، شمس‌الدین محمد اصفهانی، نظام‌الدین خورشید، فریدون سپهسالار و برخی دیگر. (دیرمان چای ۱۳۹۷، ص ۹)

اهمیت این زبان تا عهد عثمانی نیز ادامه داشت. در این عهد، دربار سلاطینی چون سلطان محمد فاتح (۸۴۸-۸۵۰ ق و ۸۵۴-۸۸۶ ق/ ۱۴۴۴-۱۴۴۶ و ۱۴۵۱-۱۴۸۱ م)، یاوز سلطان سلیم (۹۱۸-۹۲۶ ق/ ۱۵۱۲-۱۵۲۰ م) و سلطان سلیمان قانونی (۹۲۶-۹۷۴ ق/ ۱۵۲۰-۱۵۶۶ م) مأمّن دانشمندان، نویسندگان و شاعران ایرانی بود و خود آنان نیز به زبان فارسی شعر می‌سرودند که از آن‌ها دیوان یا دیوانچه‌ای باقی مانده است (همان، ص ۱۳؛ خسروشاهی ۱۳۵۴، ص ۹۴-۹۹).

علاوه بر سلاطین، از شعرا، ادبا و مورخان نیز آثاری به زبان فارسی به یادگار مانده است. این افراد یا از مهاجرین ایرانی بودند یا از ترکانی که به زبان فارسی تسلط داشتند.

یکی از مورخان و شعرا صاحب نام این دوره، ادريس بدلیسی بود که به درخواست سلطان بایزید دوم، تاریخ هشت تن از سلاطین عثمانی را به زبان فارسی تحریر کرد و کتابش را هشت بهشت نام نهاد. وی در جای‌جای این کتاب، با توجه به رویدادی که ذکر کرده یا مناسبتی که در نظر داشته اشعاری به فارسی یا عربی آورده است که بعضی از آن‌ها سروده خود اوست و بقیه از شاعران نامدار فارسی‌زبان یا عرب‌زبان است. در این میان اشعار نظامی گنجوی قابل توجه است. نظامی گنجوی از شاعران بزرگ فارسی‌زبان است که در آناتولی همیشه طرف توجه بوده و بر آثارش نظیره‌نویسی شده یا ختمه او به زبان ترکی ترجمه شده است که در ادامه مختصری به این موضوع پرداخته خواهد شد.

در مقاله حاضر به بررسی اشعاری می‌پردازیم که ادریس بدلیسی از حکیم نظامی گنجوی در جای‌جای بهشت هفتم از کتاب هشت بهشت، مربوط به دوره سلطان محمد فاتح، تضمین کرده است.

پیشینه پژوهش

در باره سلطان محمد فاتح و دوره او مقالاتی چند به چاپ رسیده است از جمله: «افول در اوج شکوه، بررسی تحلیلی مناسبات سلطان محمد فاتح و طبقه علمیه عثمانی»، تألیف مهدی عبادی (۱۳۹۶)؛ «اوزون حسن و آق‌قویونلو و غزا علیه گرجیان در گیرودار کشمکش با سلطان محمد فاتح»، تألیف فرهاد پوریانژاد (۱۳۹۲)؛ «قانون‌نامه برادرکشی سلطان محمد فاتح و نحوه اجرای اعدام اعضای خاندان»، تألیف محمدتقی امامی خوبی (۱۳۸۷) و برخی دیگر. درباره زبان و ادب فارسی در دربار سلطان محمد فاتح نیز دکتر محمدامین ریاحی (۱۳۵۰) در مقاله «نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی»، بخشی را به سلطان محمد فاتح و زبان فارسی در دربار او اختصاص داده است. از مقالات مرتبط با هشت بهشت و ادریس بدلیسی نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد: «در شناخت هشت بهشت ادریس بدلیسی»، تألیف مهری پاکزاد (۱۳۹۰)؛ «ادریس بدلیسی، هشت بهشت و دیگر آثار او»، مهری پاکزاد (۱۳۸۹)؛ «میراث مشترک فرهنگی آق‌قویونلو و عثمانی، ادریس بدلیسی و آثارش»، هدی سیدحسین‌زاده (۱۳۹۵)؛ «عناصر فرهنگی ایرانی در هشت بهشت ادریس بدلیسی»، تألیف مهری پاکزاد (۱۳۹۲)؛ و چند مقاله دیگر. درباره اشعار شعرای ایرانی در هشت بهشت نیز مهری پاکزاد مقاله «تأثیر شعر سعدی بر تاریخ هشت بهشت» را در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسانده است. اما تا جایی که جستجوها اجازه می‌داد، راجع به اشعار فارسی هشت بهشت به‌ویژه اشعار نظامی در این اثر و نیز در خصوص بهشت هفتم مقاله‌ای نوشته نشده است، تنها دو مقاله، یکی «گفتن‌مان مشروعیت در هشت بهشت ادریس بدلیسی»، تألیف یاسر قزوینی حائری (۱۳۸۹) و دیگری مقاله «بهشت هفتم (معرفی ترجمه ترکی تازه‌ای از هشت بهشت اثر ادریس بدلیسی)»، اثر علی کالیراد (۱۳۹۳) درباره بهشت هفتم هشت بهشت در دست است. در ترکیه نیز مقالات بسیاری راجع به دوره سلطان محمد فاتح و فتح استانبول، ادریس بدلیسی و آثارش، هشت بهشت و نظامی گنجوی و خمسه او و نظیره‌ها و ترجمه‌های آن نوشته شده است. دوره سلطان محمد فاتح از موضوع این مقاله خارج است، تنها چند مقاله در دو موضوع دیگر را معرفی می‌کنیم از جمله، مقاله «ادریس بدلیسی»، تألیف عبدالقادر اوزجان (۲۰۰۰)؛ «چهل حدیث به نظم از ادریس بدلیسی»، تألیف چتین کاسکا (۲۰۲۰)؛ «هشت بهشت»، تألیف عبدالقادر اوزجان (۱۹۹۸)؛

«بررسی دو نسخه از کتاب هشت بهشت ادریس بدلیسی»، تألیف کوچی ایمازاوا (۲۰۰۵)؛ «نظامی گنجوی»، تألیف محمت کانار (۲۰۰۷)؛ «خمس»، اثر تحسین یازیچی و جمال کاناز (۱۹۹۷)؛ «سنت خمسه در ادبیات کلاسیک ترکیه و خمسه کایگورسوز ابدال»، تألیف شوکیه کازان ناس (۲۰۲۳)؛ «لیلا و مجنون»، در سه بخش: معرفی مثنوی، تألیف اسماعیل دورموش؛ «لیلی و مجنون در ادبیات فارسی»، تألیف تحسین یازیچی؛ و «لیلا و مجنون در ادبیات ترکی»، اثر اسکندر پالا (۲۰۰۳)؛ «دلایل ترجیح خسرو یا فرهاد به عنوان قهرمان اصلی در آثار مربوط به خسرو و شیرین»، اورهان کمال تاووکچو (۲۰۰۰)؛ و مقاله‌ای از سچیل سور دمیر و سرنات استانبولولو راجع به سرگرمی‌ها و سازها در مینیاتورهای هفت پیکر و بسیاری مقالات دیگر که هیچ‌کدام از مقالات (در ایران و ترکیه) به اشعار فارسی این کتیبه و تضمین اشعار نظامی در آن نپرداخته است.

تعریف تضمین

تضمین در لغت یعنی، چیزی را به ضمان دادن و نیز قرار دادن چیزی در میان چیز دیگر و در علم بدیع یعنی آوردن بیت یا مصرع دیگران در شعر خود (دهخدا ۱۳۷۳، ذیل تضمین). نشاط تضمین را در لغت و بدیع به این صورت تعریف می‌کند، تضمین در لغت یعنی، پذیرانیدن و در بین گنجانیدن و چیزی در جایی نهادن و در علم بدیع، تضمین از جمله صنایع لفظی است بدین صورت که شاعر شعر دیگری را در میان شعر خود بیاورد تا برای مراد و مقصود خود به آن استعانت کند (نشاط ۱۳۴۶، ج ۲، ص ۲۵۸). این تعاریف برای تضمین در نثر نیز مصداق دارد.

به طور کلی تضمین را می‌توان «هرگونه مشارکت و تبادل عناصر لفظی و معنایی، اعم از بیت، مصرع، آیه، حدیث، مثل و مضمون میان سخنوران و گویندگان به شمار آورد که متناسب با مقتضای حال و مقام و به قصد زینت و تأکید معنا صورت می‌گیرد و سبب برجسته‌سازی، مرجعیت بخشی، مفهوم‌زایی، ایجاد ابهام هنری و ایجاز کلام می‌گردد.» (رحمانی و سیدی ۱۳۹۵، ص ۱۳۷)

مؤلفان بسیاری از این صنعت در اثر خود یاری جسته‌اند از جمله این افراد، ادریس بدلیسی است که در کتاب هشت بهشت خود از انواع تضمین، اعم از تضمین یک مصرع، یک بیت، چند بیت، مثل، آیه، حدیث و موارد دیگر استفاده کرده است. در تضمین رسم بر این است که نام شاعر یا تخلص او مستقیم یا غیرمستقیم بیان شود تا عاریه گرفتن آن مطلب مشخص باشد و سرقت و انتقال به شمار

نیاید، اما ادریس بدلیسی در هیچ کجا نامی از شاعر نبرده و فقط در بعضی موارد اشعار خودش را با لفظ «لمؤلفه» مشخص کرده است. در ادامه مقاله، بعضی از تضمین‌های شعری فارسی بیان خواهد شد.

درباره ادریس بدلیسی

مولانا حکیم‌الدین ادریس بن مولانا حسام‌الدین علی بدلیسی، از منشیان و مورخان مشهور سده نهم هجری بود. او منشی دربار یعقوب آق‌قویونلو (حک: ۸۸۳-۸۹۶ق/۱۴۷۸-۱۴۹۰م) بود که سپس سمت نشانچی سلطان رستم (حک: ۸۸۷-۹۰۲ق/۱۴۹۲-۱۴۹۷م) و سلطان الوند میرزا (حک: ۹۰۳-۹۰۷ق/۱۴۹۸-۱۵۰۱م) را به دست آورد و تحت حمایت قاضی عیسی پرورش یافت. وی با روی کار آمدن دولت صفویه، به ناچار تبریز را به سمت استانبول ترک کرد و به دربار سلطان بایزید دوم (حک: ۸۸۶-۹۱۸ق/۱۴۸۱-۱۵۱۲م) راه یافت و کاتب مخصوص و نشانچی دربار او شد (مفتاح- ولی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۷-۲۵۸؛ اوزون چارشیلی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۶۴۰؛ Özcan, 2000, s. 485-486; Bitlisi, 2008, s. 11-12). در سال ۹۰۸ق/۱۵۰۲م، سلطان بایزید او را مأمور به تألیف کتاب هشت بهشت، در تاریخ سلاطین عثمانی - از سلطان عثمان تا سلطان بایزید دوم - کرد. کتابی هم‌سنگ تاریخ جهانگشای جوینی، تاریخ و صاف، تاریخ معینی و ظفرنامه تیموری به زبان فارسی (بدلیسی، برگ ۸-۹). تألیف کتاب دو سال و شش ماه به طول انجامید ولی، به سعایت دشمنان، سلطان بایزید حق الزحمه ادریس را نپرداخت. ادریس به مکه رفت و در نامه‌ای تهدیدآمیز به سلطان نوشت، چنانچه حق او را ندهد با قرار دادن مقدمه و مؤخره‌ای در ابتدا و انتهای کتاب، آن را به شاهان ایران یا هند تقدیم می‌کند (رک: سیفی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۱-۱۲۶؛ Özcan, 1998, s. 271). در این میان سلطان بایزید از دنیا رفت و سلطان سلیم به پادشاهی رسید. او پس از دلجویی از ادریس، وی را به دربار خود فراخواند. ادریس نیز پس از رسیدن به استانبول، مقدمه و خاتمه را به کتاب هشت بهشت افزود و آن را به سلطان سلیم تقدیم کرد. از آن پس وی از مقربان دربار شد و در جنگ چالدران و سفر مصر سلطان را همراهی کرد. او همچنین مشاور سلطان سلیمان قانونی در لشکرکشی به شرق بود. ادریس سرانجام در ذی‌حجه ۹۲۶/اکتبر ۱۵۲۰، اندکی بعد از مرگ سلطان سلیم، از دنیا رفت و در کوشک ادریس که همسرش زینب خاتون ساخته بود، به خاک سپرده شد (هامر پورگشتال، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۵۱۸؛ بروس‌لی، ۱۳۴۲ق، ج ۳، ص ۹؛ و نیز نک: صفا، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۱۶۰۳-۱۶۰۵؛

Özcan 2000, s. 485-486). بعضی تاریخ فوت او را بین (۹۲۷-۹۳۰ق/۱۵۲۰-۱۵۲۳م) و مدفش را باغچه کاخ ادريس ذکر کرده‌اند (دئیرمان‌چای ۱۳۹۷، ص ۱۱۰-۱۱۲؛ بروسلی ۱۳۴۲ق، ج ۳، ص ۶-۸). ادريس بدلیسی به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی مسلط بود. از او آثار بسیاری برجای مانده است که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: رساله‌الاباء عن مواقع الوباء، ترجمه فارسی چهل حدیث؛ مرآت الجمال؛ شرح فصوص الحکم ابن عربی؛ شرح گلشن راز شبستری با نام حق‌المتین؛ ترجمه حیات‌الحيوان؛ شرح مثنوی؛ قانون شاهنشاهی؛ منشآت و هشت بهشت یا تاریخ آل عثمان که سرآمد آثار او است و بسیاری آثار دیگر. (برای اطلاعات بیشتر درباره ادريس بدلیسی و آثار او، رک: سیفی ۱۳۹۸، ص ۲۳-۳۲؛ Özcan 2000, s. 485-488; Bitlisi 2013, s. XXII-XXIII).

درباره هشت بهشت

هشت بهشت تاریخ سلاطین عثمانی و ظاهراً نخستین تاریخ رسمی عثمانیان است (سید حسین‌زاده ۱۳۹۵، ص ۱۷۴). این کتاب شامل یک مقدمه، یک خاتمه و هشت کتیبه در شرح حال هشت سلطان عثمانی - از عثمان غازی تا روزگار بایزید دوم - است که بدلیسی در نگارش آن، به آثاری چون تاریخ جهان‌نما تألیف نشری و تاریخ عاشق پاشازاده توجه داشته است (Özcan 1998, s. 272). درباره نامگذاری این کتاب، بدلیسی بیان می‌کند که:

وجه تسمیه آن مجموعه هشت بهشت در ثنا و دعای هشت پادشاه جنت‌مآب به زبان پارسی هشت بهشت ملایم و صواب نمود و نام دیگر آن تألیف به لفظ عربی کتاب صفات‌العثمانیه فی اخبارالقیاضره العثمانیه مناسب بوده است. (بدلیسی، برگ ۹۰b)

بر این اساس می‌توان گفت که ادريس در انتخاب عنوان هشت بهشت به بهشت موعود توجه داشته و سلاطین عثمانی را لایق بهشت می‌دانسته است. از آنجا که سلطان بایزید از ادريس خواسته کتابش را به سبک تاریخ و صاف و تاریخ جهانگشا و تاریخ معینی تحریر کند، نثر کتاب مصنوع و متکلف است و از واژه‌های شاذ بسیاری در آن استفاده شده است.

در کتاب بنا بر حوادث و اتفاقات یا برای صحنه گذاشتن یا تعریف ادبی مطلبی، به اشعار بسیاری از شعرای فارسی‌زبان یا عرب‌زبان یا اشعاری از خود مؤلف استناد شده است، ولی جز مواردی که با عبارت «المؤلفه»، مشخص شده شعر از ادريس بدلیسی است نامی از سراینده اشعار دیگر برده نشده

است. یکی از شعرایی که اشعار بسیاری از او در سرتاسر هشت بهشت تضمین شده نظامی گنجوی است که در ادامه درباره تأثیر نظامی در ادبیات آسیای صغیر به طور کوتاه بیان می‌شود.

حکیم نظامی گنجوی

حکیم جمال‌الدین محمد الیاس بن یوسف نظامی گنجوی حدود ۵۳۰ق در گنجه به دنیا آمد. در حکمت و علوم عقلی و نقلی، طب و فلسفه و دیگر علوم عصر خود سرآمد و شاعری تمام عیار بود. او توانست سبکی جدید در شعر و داستان‌سرایی بنا نهد. تاریخ وفات او را نیز متفاوت ذکر کرده‌اند. (رک: صفا ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۷۹۸-۸۲۴)

مشهورترین اثر نظامی خمسه یا پنج گنج است که علاوه بر ایران در خارج از مرزهای این کشور هم مورد توجه بوده و بر آن نظیره‌هایی نوشته شده یا به زبان‌های دیگر ترجمه شده است. به آورده مفتاح و ولی، تا قرن‌ها پس از سروده شدن خمسه، هرکس که داعیه شاعری داشته به تقلید از خمسه یا بعضی منظومه‌های نظامی شعر می‌سروده است. (مفتاح و ولی ۱۳۷۴، ص ۴۵)

از جمله سرزمین‌هایی که توجه بسیاری به نظامی و خمسه او داشته، آناتولی است. خود نظامی گنجوی مخزن‌الاسرار، نخستین منظومه خود از خمسه، را به فخرالدین بهرامشاه حاکم ارزنجان و معروف‌ترین فرد خاندان بنومنگوچق و داماد سلجوقیان اهدا کرده است (همان، ص ۳۰).

تحسین یازیچی و جمال کاناز معتقدند که سرودن خمسه در ادبیات ترکی - تحت تأثیر ادبیات فارسی - از قرن ۱۴ میلادی آغاز شد و امیر علیشیر نوایی نخستین سراینده ترک‌زبان (جغتایی) خمسه بود (Yazıcı ve Kanaz 1997, s. 499). نخستین خمسه را در آناتولی، حمدالله حمدی (ف: ۱۵۰۳م) سرود که متشکل بود از: یوسف و زلیخا، لیلا و مجنون، تحفة‌العشاق، قیافت‌نامه و احمدیه. جلیلی ازنیقی در قرن ۱۵ میلادی خمسه نظامی را ترجمه کرد و همین ترجمه سبب شهرت وی گردید. بهشتی احمد سنان چلبی (ف: ۱۱۷ق/۱۵۱۱م) نیز خمسه‌ای متشکل از وامق و عذرا، یوسف و زلیخا، حسن و نگار، سهیل و نوبهار و لیلا و مجنون سرود. از دیگر خمسه‌سرایان این خطه می‌توان لامعی چلبی، یحیی بیگ، برخی دیگر و در نهایت صبحی‌زاده فیضی (ف: ۱۱۵۲ق/۱۷۳۹م) را، که ظاهراً آخرین خمسه‌سرای آناتولی است، نام برد (مفتاح و ولی ۱۳۷۴، ص ۲۵۶؛ Yazıcı ve Kanaz 1997, s. 499-500؛ و نیز رک: Kazan Nas 2023, s. 741-745). احمد رضوان از شعرای دربار سلطان بایزید دوم نیز خمسه را به ترکی ترجمه کرد که از آن

تنها ترجمه خسرو و شیرین باقی است و در کتابخانه گوته در برلین نگهداری می‌شود. محمد معیدی، که او هم از شاعران عهد سلطان بایزید دوم بود، به تبعیت از شیخی پیرو مکتب نظامی شد و خمسه‌ای سرود. وی همچنین خسرو و شیرین نظامی را به ترکی ترجمه کرد (مفتاح ولی ۱۳۷۴، ص ۳۲۷). احمد بورسوی از شعرای وابسته مکتب نظامی در نیمه قرن ۱۶ میلادی و مصطفی سالم از شعرای اواخر سده ۱۸ و اوایل سده ۱۹ میلادی، هریک منظومه‌ای به نام خسرو و شیرین سروده‌اند (همان‌جا).

ساختن مثنوی‌هایی با موضوع خسرو و شیرین نیز از سده ۱۴ میلادی وارد ادبیات ترکی شد و یوسفی ارزنجانی در سال ۱۳۰۰م یک مثنوی به نام خاموش‌نامه بر وزن خسرو و شیرین نظامی سرود (ریاحی ۱۳۶۹، ص ۱۰۸). خسرو و شیرین نظامی نخستین بار، در سال ۱۳۴۱ق/ ۱۳۴۱م به ترکی ترجمه شد (Erkal, 1999, s. 55). در آناتولی نخستین بار، فخری در سال ۱۳۶۸ق/ ۱۳۶۷م، این مثنوی را ترجمه کرد و با استفاده از شاهنامه تغییراتی در اصل داستان به وجود آورد. پس از آن، خسرو و شیرین نظامی بارها به ترکی ترجمه شد که از جمله آن می‌توان به ترجمه شیخی (ف: ۸۳۵ق) به امر مراد دوم (۸۲۴-۸۴۸ و ۸۵۰-۸۵۴ق/ ۱۴۲۱-۱۴۴۴ و ۱۴۴۶-۱۴۵۱م) احمد رضوان، صدری، حیاتی، آهی، عارف چلبی و دیگران اشاره کرد (ریاحی ۱، ص ۲۰۱؛ Çağlar, 2019, s. 172-176). در نظریه‌های خسرو و شیرین گاهی قهرمان داستان خسرو است که از آن با همان عنوان «خسرو و شیرین» یا «شیرین و خسرو» نام می‌برند و گاهی قهرمان فرهاد است که در این صورت مثنوی را «شیرین و فرهاد» یا به تعبیری «فرهادنامه» می‌نامند. تاووکچو اذعان می‌کند که چهل و هفت اثر با اقتباس از مثنوی خسرو و شیرین نوشته شده است که سی و پنج اثر خسرو و شیرین نام دارد و ۱۲ مورد فرهاد و شیرین نامیده شده است. (Tavukçu 2000, s. 143-144)

و اما لیلی و مجنون به آورده یازیجی و کاناز پرتکرارترین داستان در خمسه‌های ترک است (Yazıcı ve Kanaz 1997, s. 499). این داستان را که نمادی از عشق و شیفتگی در شعر و ادبیات است، نخستین بار شاعری به نام شاهدی، با عنوان گلشن عشاق به ترکی روایت کرده است (Pala 2003, s. 161). شاید بتوان مثنوی لیلی و مجنون فضولی را که در قرن ۱۶ میلادی سروده شده است، همسان لیلی و مجنون نظامی و به همان اندازه موفق دانست (Akkuş 2012, s. 2; Pala, 2003, s. 161). عبدالله بن حسین طالبی زنجانی، که در دوره عثمانی می‌زیست، در سال ۹۵۵ق مثنوی بحرالمعاد فی ارشادالعباد را به نام سلطان سلیم و بر وزن لیلی و مجنون سرود (ریاحی ۱۳۶۹، ص

۱۹۷؛ برای اطلاعات بیشتر درباره نظیره‌ها و ترجمه‌های لیلی و مجنون در آناتولی، رکت: Pala 2003, s. 161). جلیلی حامدی‌زاده بوردسوی نیز غزلیات بسیاری تحت عنوان «لیلی و مجنون» و «خسرو و شیرین» دارد (مفتاح و ولی ۱۳۷۴، ص ۲۵۶). علی نهاد تارلان، نخستین دکتر ادبیات در ترکیه، در رساله دکتری خود از حدود ۳۰ شاعر که لیلی و مجنون را به ترکی سروده‌اند نام می‌برد. همچنین آگاه سری در کتاب لیلی و مجنون در ادبیات ترک، مثنوی‌هایی را که ترک‌ها برای لیلی و مجنون سروده‌اند، به‌طور مفصل معرفی می‌کند. (همان، ص ۳۴۵؛ و نیز Pala 2003, s. 161)

محمد قره‌فضلی از شعرای عهد سلطان سلیمان قانونی به پیروی از مخزن‌الاسرار نظامی، مثنوی مطلع‌الانوار را سرود (مفتاح و ولی ۱۳۷۴، ص ۲۷۹-۲۸۰). علاوه بر آن نظیره‌های دیگری چون حیرت‌الابرار، اثر علیشیر نوایی (م: ۹۰۶/ق/۱۵۰۱م)؛ گل صد برگ، سروده رحمی (م: ۹۷۵/ق/۱۵۶۷م)؛ گلشن انوار، سروده تاشلیجالی یحیی (م: ۱۰۰۴/ق/۱۵۹۵م)؛ ریاض‌الجنان، اثر بوردسالی جینانی (م: ۱۰۰۴/ق/۱۵۹۵م)؛ تحفة‌العشاق، اثر مصطفی عالی افندی (م: ۱۰۰۸/ق/۱۶۰۰م) و غیره را می‌توان نام برد (Karakütük 2024, s. 27).

امیرعلیشیر نوایی، قدسی چلبی، ترازونلورمضان، بوردسالی شاه‌علی و دیگران از جمله کسانی هستند که بر هفت پیکر نظامی نظیره نوشته‌اند. مثنوی هفت خوان اثر عطایی، از نظر طرح و وزن همانند هفت پیکر نظامی ولی از نظر موضوع متفاوت است. عطایی این مثنوی را در ۱۰۳۶/ق/۱۶۲۷م به پایان رساند و به اخی‌زاده حسین افندی (قاضی عسکر روم ایلی) اتحاف کرد. (Unver 1998, s. 158-159)

اسکندرنامه احمدی نیز که بعضی آن را ترجمه اسکندرنامه نظامی و بعضی اقتباسی از خمسه می‌دانند از جنبه تاریخی و ادبی در ادبیات ترک حائز اهمیت است. (Uğur 2023, s. 276؛ دیانت ۱۳۷۵، ص ۱۱۳)

با این مختصر، به ارزش خمسه نظامی در خطه آسیای صغیر و دلیل استفاده از اشعار نظامی در هشت بهشت می‌توان پی برد.

بعضی از موارد تضمین اشعار فارسی در بهشت هفتم از هشت بهشت

ادریس بدلیسی در جای‌جای بهشت هفتم اثر تاریخی خود، به مناسبت مطالبی که بیان می‌کند، از

اشعار فراوانی بهره می‌برد که بسیاری از آن‌ها فارسی است. بعضی از اشعار فارسی سروده خود اوست و تعدادی از آن‌ها از شعرای فارسی‌زبان تضمین شده‌اند. قابل توجه است که بیشتر اشعار فارسی این بخش از خمسه نظامی ذکر شده است. در ذیل نمونه‌هایی از اشعار تضمین شده شاعران ذکر می‌شود، سپس به اشعار تضمین شده از خمسه نظامی پرداخته می‌شود.

بدلیسی ابتدای بهشت هفتم را با بیت:

هست بسم الله الرحمن الرحيم منير حمد خداوند حکيم

آغاز کرده که مصرع اول آن برگرفته از کتاب اسرارالشهود اسیری لاهیجی (از شعرای قرن نهم هجری) است و در ۹۴ بیت در وزن همین مصرع (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن، رمل مثنی محذوف) به ستایش خدا، پیامبر اسلام و سپس سلطان محمد فاتح پرداخته است (البته نظامی نیز مخزن الاسرار را با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می‌کند). پس از آن در برگ ۳۳۷، در قسم اول و میان نعت پیامبر اکرم ص دو بیت:

ای جز به احترام خدایت نبرده نام وی سلک انبیا به وجود تو با نظام
زان نقش کرده بر صفحات وجود خویش عرش مجید نام ترا از برای نام

را که سروده کمال‌الدین اسماعیل (ص ۲ و ۳) است، در ستایش پیامبر، ذکر کرده است.

در برگ ۳۴۴، ضمن بیان «حال بلاد و اولاد میرزا شاهرخ ولد امیر تیمور و چگونگی انتقالات ملک و دولت ایشان در مجاری امور» هنگامی که از بسط حکومت سلطان ابوسعید در خراسان سخن می‌راند، با اشاره به روابط حسنه سلطان ابوسعید و سلطان محمد فاتح و دوستی آنان و بسط روابط، این بیت سعدی (۱۴۰۳، ص ۴۰۲) را بیان می‌کند:

اگر سر نهد بر خط سروری چو نیکش بداری، نهد دیگری

از موارد دیگری که از سعدی تضمین کرده، برگ ۴۳۸ است که بدلیسی و تنی چند در پی جریان تعقیب یکی از دشمنان سلطان به نام قرال به قلعه‌ای صعب العبور می‌رسند و پس از مشورت بزرگان سپاه با محمودپاشای وزیر، قرار بر این می‌شود که به جای خطر کردن برای فتح آن قلعه به اقدامی دیگر دست بزنند و در اینجا بیت:

حذر کار مردان کارآگه است یزک سدّ روین لشکرگه است

را بیان می‌کند (سعدی ۱۴۰۳، ص ۴۰۱). تقریباً می‌توان گفت که بدلیسی در بهشت هفتم ۱۳ بار از

اشعار سعدی تضمین آورده است.

از مولوی نیز در بین متن تضمین‌هایی آورده است مثلاً، در برگ ۳۵۱ در «فتح الباب اول در بیان خلقت خلعت صورت و معیاء سیمای همایون و ذکر حسن شکل و شمایل سلطان» ابتدا خود ابیات زیر را سروده، تا قبله دل آن رخ دلجوی شده روی از همه سوی گشته آن سوی شده روی تو بود مظهر هر جا حسنی است حسن تو جهانگیر از آن روی شده سپس بعد از شمردن چندی از محاسن سلطان، آورده است:

روی و خال و ابرو و لب چو عقیق گویا حق تافت از پرده رقیق

(مولوی بلخی ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۰۶۲، بیت ۹۶۰)

در برگ ۳۴۴، در بیان اوصاف خواجه عبیدالله به عدم دل‌بستگی او به دنیا اشاره می‌کند و می‌آورد:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

(حافظ شیرازی ۱۳۷۹، ص ۲۸)

بعد از فتح قسطنطنیه که به داستان تبدیل دیر ایاصوفیه به مسجد جامع می‌پردازد (برگ ۴۰۴)، ابتدا دو بیت از خود آورده،

این دیر کهن ز دیرگاه است خراب بس ملت و کیش کاندرو شد به نقاب

این قبه ز رنگار ازو مانده به جای وز دین محمدی به طاقش محراب

سپس ضمن بیان «حکمت الاهی در تأسیس بناء بدن آدم از آب و خاک، و توطین نوع بشری در مطموره ماء و طین زیر طاق مقرنس افلاک» ابیات زیر را از فردوسی نقل کرده است:

ترا از دو گیتی برآورده‌اند به چندین میانجی پپورده‌اند

نخستین فطرت پسین شمار تویی، خویشان را به بازی مدار

(فردوسی ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳)

در برگ ۳۵۸، در «فتح الباب سیوم؛ در بیان قدر شوکت و سپاه ملاک اتبناه سلطان» بیت زیر را آورده،

مال و ملکی که باشه خوش‌خوست بازوی شرع را نکو نیروست

که برگرفته از بیت زیر و از حدیقه الحقیقه سنایی (۱۳۲۹، ص ۵۱۰) است:

دین و ملک او به هم فراز آورد جامه شرع را طراز آورد

و نیز در ستایش سلطان فاتح دو بیت:

هر که در ملک یار دین باشد در خور شکر و آفرین باشد

شاکر شاه عادل است جهان دل شه غیث و ظلم ازو طوفان

را آورده که مصرع «در خور شکر و آفرین باشد» را از هفت پیکر نظامی (۱۳۱۵، ص ۹۷) گرفته است. البته قابل ذکر است که تعدادی از ابیات با ابیات اصلی شاعران اختلافاتی دارند که محتمل است بدلیسی این ابیات را به مدد حافظه آورده یا ابیات در دیوانی که در دست داشته بدین گونه بوده‌اند. بدلیسی علاوه بر آنکه اشعار فارسی را به صورت مستقیم نقل کرده، اشعار یا عباراتی را آورده که به لحاظ مفهوم برگرفته از شعرای ایرانی و فارسی‌زبان است، مانند بیت زیر که در برگ ۳۳۵ هشت بهشت آمده است،

شرح آن نقطه ننگجد در کتاب بحر کی گنجد درون ظرف آب؟

و برگرفته از بیت:

معانی هرگز اندر حرف ناید که بحر قلمز اندر ظرف ناید؟

از گلشن راز شیخ محمود شبستری (۲۵۳۵، ص ۷) است یا در برگ ۴۷۴ این بیت را درج کرده است:

اگرچه منزل مقصود دلکش [است] و رفیع چو بخت اصلی او استوار نیست چه سود

که برگرفته از این بیت امیر خسرو دهلوی است:

ز بهر خوردن دل گر هزار غم دارم چو بخت خویشتم استوار نیست چه سود

(امیر خسرو دهلوی ۱۳۸۷، ص ۴۱۶)

همچنین او با اشاره به کشته شدن میرزا عبداللطیف به دست بابا حسین - یکی از ملازمانش - بعد از شش ماه این بیت را که ماده تاریخ فوت اوست، بیان می‌کند:

بابا حسین کشت شب جمعه اش به تیر تاریخ قتل اوست که بابا حسین کشت

این دو بیت شعر در کتاب بابرنامه هم در بیان کشته شدن الغ بیگ به دست پسرش عبداللطیف، بیان شده است (ظهیرالدین محمد بابر ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۹۰). این همسانی - چنانچه گفته شد - نشانگر وسعت گستره زبان فارسی از هند تا آسیای صغیر و فراتر از آن است. هم‌عصر بودن مؤلفان نیز در به کار بردن اشعار و مطالب فارسی، نظیره نویسی یا توجه به یک شاعر یا انتخاب نوع شعر مؤثر بود. در این خصوص می‌توان به بیت:

تا دیده بود واقعه زین صعب‌تر ندید دل کین خبر شنید کسش باخبر ندید

از کمال‌الدین اسماعیل (۱۳۴۸، ص ۴۲۳) نیز اشاره کرد که ادريس بدلیسی در بیان مرگ سلطان فاتح آن را

به کار برده و واعظ کاشفی^(۱) (۱۳۹۹، ص ۹۵) در بیان واقعه شهدای کربلا از آن استفاده کرده است.

به هر روی تا جایی که جستجوها اجازه یافتن شاهدها را می‌داد، از اشعار شاعرانی چون سعدی (۲۵ بار)؛ سلمان ساوجی (۲۵ بار)؛ حافظ (۲۰ بار)؛ فردوسی (۱۴ بار)؛ کمال‌الدین اسماعیل (۱۶ بار)؛ سنایی (۱۲ بار)؛ مولوی (۱۱ بار)؛ جامی (۶ بار)؛ ظهیر فاریابی (۴ بار)؛ عطار، انوری، امیرشاهی، خاقانی، امیرخسرو دهلوی، کمال خجندی (هر کدام ۲ بار)؛ کمال اصفهانی، کاتبی نیشابوری، نصرالله منشی، قاضی مسیح‌الدین، اوحدی، ملا احمد نراقی، سید حسن غزنوی، ابن‌یمین، جمال‌الدین عبدالرزاق، اسپری لاهیجی (هر کدام ۱ بار) استفاده کرده است. بدلیسی در این بهشت از کلیله و دمنه، تاریخ بیهقی و منابع دیگر نیز در متن بهره برده است.

یکی از شعرایی که اشعار بسیاری از او در هشت بهشت، به‌ویژه بهشت هفتم، تضمین شده نظامی گنجوی است. نظامی نخستین شاعر ایرانی است که بدلیسی در مقدمه هشت بهشت، دو بیت از مثنوی خسرو و شیرین (۱۳۱۳ الف، ص ۹) او را نقل کرده است:

به هر نیک و بدی کاندر جهانست کرم از تست وان دیگر بهانه‌ست
یکی را پای بشکستی و خواندی یکی را بال و پر دادی و راندی

در برگ ۱۷۶ نیز در بیان به پادشاهی رسیدن ایلدرم بایزید (۷۹۱ق) این بیت نظامی را آورده است:
به فرخ‌تر زمان شاه جوان‌بخت به دارالملک خود شد بر سر تخت

(همان، ص ۱۱۰)

در بهشت هفتم نیز ادریس بدلیسی در جای‌جای تاریخ عهد سلطان محمد فاتح، از اشعار خمسه ۹۰ بار سود جسته است که در ادامه به تعدادی از آنها می‌پردازیم.

۷. موارد تضمین اشعار خود بدلیسی و ایاتی از خمسه نظامی

بدلیسی در مقدمه کتیبه و قبل از ذکر به سلطنت رسیدن سلطان فاتح (برگ ۳۳۶)، ابتدا خود یک دوبیتی برای شکر و سپاس وجود سلطان در وزن مفاعلهن فعلا تن مفاعلهن فعلا تن (بحر مجتث مثنی مخبون محذوف) سروده است. این وزن یکی از اوزان پرکاربرد در شعر فارسی است و حافظ و سنایی بسیار از آن استفاده کرده‌اند. نمونه ایات:

برای شکر و سپاس تو در فضای ریاض زبان طوطی گویا و بد به‌جای کیا

مصور ازل از نوک خامه تقدیر لسان حال به شکر تو می‌کند گویا
او در تحمید سلسله پادشاهی عثمانی، یک دوییتی در وزن مفعول و مفاعیلن مفاعیل (بحر هزج
مسدس اخرب مقبوض) آورده که به احتمال آن هم از خود اوست و در آن مصرعی را از هفت پیکر نظامی
تضمین کرده است:

هر که در ملک یار دین باشد در خور شکر و آفرین باشد^(۲)
شاکر شاه عادل است جهان دل شه غیث و ظلم ازو طوفان

در برگ ۳۳۷، هنگام ستایش سلطان محمد فاتح، ابتدا وی را با پیامبر ص مقایسه کرده و آیتی از
قرآن آورده، سپس با آوردن دو بیت زیر از خسرو و شیرین نظامی (۱۳۱۳ الف، ص ۱۱)
خدایش تیغ نصرت داده در چنگ کز آتش نقش داند بست در سنگ
جوانمردی نماید تند چون شیر زبانش گه کلید و گاه شمشیر
که با وزن مفاعیلن مفاعیلن فاعولن (هزج مسدس محذوف) و در نعت حضرت رسول است، ستایش
خود را ادامه داده است.

در ادامه این حمد و ستایش‌ها باز هم از مخزن الاسرار (۱۳۱۳ ج، ص ۱۹)، بیتی را از میان اشعاری
که نظامی در معراج پیامبر سروده، بیان کرده است:
پشت قوی گشته از آن بارگاه روی درآورده به این کارگاه

و در ادامه بعد از صحبتی چند، خود نیز ابیات زیر را در ستایش حضرت و مقایسه سلطان محمد
فاتح با پیامبر سروده است:

آن محمد از حق آمد رهنمای جمله خلق وین محمد گشت سلطان بهر راحت گستری
آن محمد رحمة للعالمین آمد ز حق وین محمد بر خلاق ظل حق از داوری
تا بود ز آل محمد دین‌تازی پایدار باد آل این محمد بر سریر قیصری

(بدلیسی، برگ ۳۳۸)

برای بیان به پادشاهی رسیدن سلطان فاتح (برگ ۳۳۸) یک بیت از اسکندرنامه (شرفنامه) نظامی (در
معراج پیامبر) آورده (۱۳۱۶، ص ۱۸) و برای ربط آن به زمان خود، ردیف بیت را از «بود» به «گشت» تغییر
داده است:

محمد که سلطان این مهد گشت ز چندین خلیفه ولی عهد گشت

باز هم در ستایش تاج و تخت او در برگ ۳۳۹، دو بیت از مخزن الاسرار نظامی آورده (۱۳۱۳ج، ص ۳۴) است. در مخزن الاسرار دو واژه «گهرت» و «علمت» به «گهرش» و «علمش» تغییر یافته است:

هفت فلک با گهرش حقه‌ای هشت بهشت از علمش شقه‌ای

در جایی که به داستان «بلاد و اولاد شاهرخ» می‌رسد و جریان کشته شدن میرزا الغ‌بیگ به دست پسرش، میرزا عبداللطیف، را بیان می‌کند (برگ ۳۴۴) در مذمت این عمل بی‌تبی را نقل کرده، که برگرفته از داستان گریختن خسرو از بهرام چوبین است:

پدرکش پادشاهی را نشاید اگر شاید به جز شش مه نباید

این بیت در خسرو و شیرین (۱۳۱۳ الف، ص ۱۱۳) چنین آمده است:

کزین کودک جهانداری نباید پدرکش پادشاهی را نشاید

در بیان نبرد جهان‌شاه با پدرش، پیربوداق، (برگ ۳۴۶) و کشته شدن پیربوداق و ملازمان و خواص او، وی بعد از آوردن آیه ۱۲۹ سوره انعام که اشاره به چیرگی بعضی ستمکاران به بعضی دیگر دارد آورده است:

چرخ همان ظالم گردن‌زنست دهر همان خصم قوی گردن‌ست^(۳)

(حکیم نظامی ۱۳۱۳ج، ص ۸۳)

او با بیان این بیت و پیروزی حسن‌بیگ آق‌قویونلو بر جهان‌شاه، به منتقم بودن چرخ گردون اشاره کرده و این مطلب را به «پایان شب سیه سفید است» (همو، ۱۳۱۳ب، ص ۸۷) تعبیر کرده است.

هنگام برتخت نشستن سلطان فاتح ابتدا صفات و محاسن او را ستایش می‌کند:

چو دارد خوی تو نیکوسرشتی هم اینجا و هم آنجا در بهشتی

بهشت دیگران کن خوی خود را مکن دوزخ به خود هم خوی بد را^۱

(همو ۱۳۱۳ الف، ص ۲۵۸)

و عدالت را صفت اول او می‌داند و خود در این باب چنین می‌سراید:

عالم همه یک تن‌اند و سلطان جانش اعضای و قوی رعیت و ارکانش

با یک‌دگرند تابع صحت و سقم در ملک بدن مدبران سلطانش

او این شعر را در وزن هزج مسدس مخبون محذوف سروده است. حافظ و خاقانی و شعرای دیگر

نیز در این وزن اشعاری سروده‌اند.

(۱) در خسرو و شیرین دو مصرع جابه‌جاست.

او سپس دادگری و عدل سلطان را ابتدا با بیتی در وزن هزج مثنوی مخبون که به نظر می‌رسد سروده خودش باشد وصف کرده، (برگ ۳۵۳)

عالم از عدلش چنان آباد و خرم شد که نیست فتنه جز در چشم خوبان رخنه جز در عهدشان
سپس با دوبیت از خسرو و شیرین نظامی توصیف خود را از وی کامل کرده است:
رعیت هر که بود از دور و پیوند به عدل و داد او خوردند سوگند
ز مظلومان عالم جور برداشت همه آیین ظلم از دور برداشت

(حکیم نظامی ۱۳۱۳ الف، ص ۱۸۱)

هنگامی که از «وسعت ارزاق اموال حلال سلطانی و مخازن و منابع سلطان» سخن رانده، (برگ ۳۷۳) بعد از

بیان مطالبی چند، ایات:

خزینہ‌ایست معادن برای بخشش تو ودیعه‌دار تو بحرست روز نشر لال
ز دست جود بر خونین دلست معدن لعل که می‌دهی به سوای بضاعت صد سال
ز سیم وزر که بیندوخت کان و داد ز دست به روز جود تو معدن‌نماست دست سوال
برون شدست ز معدن ردیله امساک ز یمن تربیت پادشاه بحر نوال
را سروده و در ادامه، در بیان مخازن طلا و نقره بیتی از نظامی را بیان کرده است:
خاک به اقبال تو زر می‌شود زهر به یاد تو شکر می‌شود

(حکیم نظامی ۱۳۱۳ ج، ص ۳۴)

در بیان روز تسخیر قسطنطنیه درباره دلآوری و مردی سلطان فاتح چنین سروده است:

شهنشاه و پناه دین احمد ابوالفتح للزمان سلطان محمد

و نیز آورده که در صبح روز پیروزی در سال سبع و خمسین و ثمانمایه (۸۵۷ق) سلطان بعد از نماز صبح به مناجات و دعا پرداخته، سپس در ۲۶ بیت که با بیت:

خداوندا بده توفیقم امروز ز صبح فتح خورشیدم برافروز

آغاز می‌شود، مناجات سلطان را بیان کرده است. وی به دنبال این مثنوی، چگونگی تجهیز

سپاهیان را نیز بازگو کرده و با بیت:

شده رعادها چون اژدها مست دهان بگشاده جانی زو نمی‌رست

در بحر متقارب، قدرت سپاه را به تصویر کشیده است. رویارویی دو سپاه مسلمانان و کفار را ابتدا

با اشاره به دو آیه **يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ**،^(۴) و **جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ**^(۵) وصف کرده و در تأیید آن سروده است:

غزه غرای تیغش صبح دولت را مثال سرخرو شمشیر او در صف مردان قتال

و در ادامه، دو بیت از داستان «گشودن اسکندر دژ دربند را» از شرف‌نامه نظامی ذکر کرده است:

به لشکر بفرمود تا صد هزار درآیند پیرامن آن حصار

به میدان خون غرق آتش کنند ز بنیاد کنده خرابش کنند^(۶)

(حکیم نظامی ۱۳۱۶، ص ۳۱۷)

در داستان دوازدهم از نفاق و عناد افراد بلاد و عباد سخن می‌راند و بیتی از نظامی نقل می‌کند:

از طرفی رخنه دین می‌کنند از همه اطراف کمین می‌کنند

(همو ۱۳۱۳ ج، ص ۲۶)

سپس خود می‌سراید:

جهان کینه و مهرند شاهان از آن شاهان جهان را گشته خواهان

ادریس بدلیسی هنگامی که از فتح مملکت پولیه به دست سلطان محمد فاتح صحبت می‌کند، در

برگ ۴۸۶، ابتدا در پیروزی و گرفتن غنایم می‌گوید:

قلعه‌گیران خزانه‌ها بردند قلعه‌ها با کلید بسپردند

هر کسی روزنامه نو می‌کرد جان به توقیع او گرو می‌کرد

(حکیم نظامی ۱۳۱۵، ص ۱۰۲)

سپس در تأکید و تأیید رفتار بزرگ‌منشانه و منصفانه سلطان با مردم پولیه، دو بیت زیر را از هفت

پیکر (همان) نقل می‌کند:

او چو با کار مملکت پرداخت هر کسی را به قدر خود بناخت

کار بی‌روفتی به ساز آورد رفتگان را به ملک باز آورد

که البته بعضی واژه‌ها با اصل مثنوی تفاوت‌هایی دارد.

نظامی در انتهای مثنوی خسرو و شیرین، در بخش اندرز و ختم، آورده است (۱۳۱۳ الف، ص ۴۴۳):

چو بد کردی مباش ایمن ز آفات که لازم شد طبیعت را مکافات

و ادریس بدلیسی در برگ ۴۳۴، وقتی پیروزی سلطان محمد فاتح بر یکی از دشمنانش به نام قرال

را بیان می‌کند، ضمن بیان چگونگی تار و مار کردن سپاه قرال، از غنایمی که در نتیجه این جنگ به

دست سپاهیان اسلام (فاتح) افتاد، سخن می‌راند و همین بیت را می‌آورد.

و به همین سبک در اتفاقات مختلف همچون، جنگ بوسنه، تصویر صورت زنان و مردان آن سرزمین؛ داستان پانزدهم و خروج حاکم بوسنه و عساکر فرنگ بر سلطان فاتح و بیان خیانت و نفاق اهل بوسنه؛ و موارد دیگر از اشعار نظامی استفاده کرده است.

نتیجه

ادريس بدلیسی از منشیان و مورخان ایرانی مشهور در سده نهم هجری و منشی دربار یعقوب آق‌قویونلو بود که سپس به استانبول رفت و به دربار سلطان بایزید دوم راه یافت و کاتب مخصوص و نشانچی دربار او شد. او به زبان فارسی، عربی و ترکی مسلط بود و در سال ۹۰۸ ق از سوی سلطان بایزید مأمور تألیف کتابی در تاریخ سلاطین عثمانی - از سلطان عثمان تا سلطان بایزید دوم - شد که هشت بهشت نام یافت. به دلیل نفوذ گسترده زبان فارسی در آناتولی، بایزید از او خواست که این کتاب را به زبان فارسی و هم‌سنگ تاریخ جهانگشای جوینی، تاریخ و صاف، تاریخ معینی و ظفرنامه تیموری تألیف نماید. ظاهراً در تاریخ آل عثمان، هشت بهشت نخستین کتاب تحریر شده است. ادريس خود شاعر هم بود و در جای جای کتاب متناسب با مطالبی که بیان کرده، اشعاری به فارسی و عربی آورده که بعضی از اشعار فارسی سروده خود اوست و تعدادی تضمین‌هایی از شعرای فارسی‌زبان است. این تضمین‌ها گاهی به صورت بیت کامل و گاهی به صورت یک مصرع و گاهی هم با استفاده از مضامین و معانی اشعار می‌باشد. اشعاری را که خودش سروده، اغلب با عنوان «لمؤلفه» مشخص کرده است ولی در مواردی به اشعاری برمی‌خوریم که با توجه به موضوع مطرح شده، سروده شده ولی واژه «لمؤلفه» برای آن‌ها درج نشده است مانند بیتی در انتهای برگ ۳۳۷ که در مدح سلطان محمد فاتح است و بعد از آن با درج واژه «لمؤلفه»، در ابتدای برگ ۳۳۸ سه بیت در ستایش سلطان بیان می‌کند که با توجه به ردیف و قافیه، به نظر می‌رسد ادامه بیت برگ قبل باشد. از این دست ابیات در ادامه کتاب باز هم به چشم می‌خورد مانند برگ ۳۳۹ و نیز ۳۴۰ (باز هم در مدح سلطان) و الخ تا برگ ۴۹۲. به هر روی، در جستجوها شاعر یا شاعران این ابیات پیدا نشد و می‌توان نتیجه گرفت که یا این اشعار را هم خودش سروده یا از دیوان شعرای عهد آن سلطان تضمین کرده است. لازم به ذکر است که در اینجا به اشعار و مطالب هشت هفتم که مربوط به دوره سلطان محمد فاتح است، پرداخته شده است.

مطلب دیگری که در این کتیبه قابل تأمل است، اختلافاتی است که بعضی ابیات تضمین شده با سروده اصلی دارند که می‌توان به چند نتیجه رسید: یکی اینکه این اختلافات در نسخه‌های دیوان‌ها و کتبی که در دسترس ادريس بدلیسی بوده، موجود بوده است؛ دیگر اینکه مؤلف این تغییرات را داده

باشد. در این صورت هم باز دو علت به ذهن متبادر می‌شود، یکی اینکه مؤلف از روی حافظه و بدون مراجعه به نسخ اشعار را به کار برده و دچار اشتباه شده باشد و دیگر اینکه مؤلف با توجه به مطلبی که نوشته و برای همخوانی داشتن اشعار با آن مطلب، واژه‌هایی را در شعر تغییر داده باشد. در میان اشعار تضمین شده بهشت هفتم، بیشتر از همه به اشعار خمسه نظامی برمی‌خوریم. تا جایی که یافته شد، ۸۱ بار در طول کتیبه هفتم از اشعار نظامی استفاده کرده است و این نشانگر نفوذ نظامی و خمسه او در آسیای صغیر است. نظامی از جمله شعرای فارسی‌زبان است که در این خطه بسیار مورد توجه بوده و بر خمسه او نظیره‌های بسیاری نوشته شده یا به ترکی ترجمه شده است.

پی‌نوشت

- ۱) بیت در روضة الشهداء چنین است:
- ۲) نظامی، ۱۳۱۵، ص ۹۷: در خور تخت و آفرین باشد
- ۳) مخزن الاسرار: خاک همان خصم قوی گردن‌ست
چرخ همان ظالم گردن‌زن‌ست
- ۴) آل عمران (۳)، آیه ۱۰۶: در روزی که چهره‌هایی سپید و چهره‌هایی سیاه شود.
- ۵) توبه (۹)، آیه ۷۳: با کافران و منافقان به جهاد برخیز.
- ۶) بیت دوم در شرف نامه: به خرسنگ غضبان خرابش کنند
به سیلاب خون غرق آبش کنند

منابع

- آتش، احمد [بی‌تا]، آثار فارسی در آناتولی از قرن ششم تا هشتم هجری قمری، ترجمه صائمه اینال صاوی، چاپخانه ارتش شاهنشاهی، اداره روابط عمومی بررسی‌های تاریخی.
- امامی خوبی، محمدمتقی (۱۳۸۷)، «قانون‌نامه برادرکشی سلطان محمد فاتح و نحوه اجرای اعدام اعضای خاندان»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۸۵، ص ۲۳-۳۵.
- امیر خسرو دهلوی (۱۳۸۷)، دیوان، تصحیح اقبال صلاح‌الدین، با مقدمه محمد روشن، تهران، نگاه.
- اوزون چارشیلی، اسماعیل حقی (۱۳۶۹)، تاریخ عثمانی، ترجمه ایرج نوبخت، [بی‌جا]، کیهان.
- بدلیسی، ادریس، هشت بهشت، نسخه خطی، کتابخانه نورعثمانیه، ش ۳۲۰۹.
- بروسه‌لی، محمدطاهر (۱۳۴۲ق)، عثمانلی مؤلفلری، استانبول، مطبعة عامره.
- پاکزاد، مه‌ری (۱۳۹۰)، «در شناخت هشت بهشت ادریس بدلیسی»، ادبیات فارسی، بهار، ش ۲۹، ص ۱۵۶-۱۸۹.
- _____ (۱۳۸۹)، «ادریس بدلیسی، هشت بهشت و دیگر آثار او»، پژوهشنامه فرهنگ و ادب، س ۶، پاییز و زمستان، ش ۱۰، ص ۶۸-۹۴.

- _____ (۱۳۹۲)، «عناصر فرهنگ ایرانی در هشت بهشت ادريس بدلیسی»، بهارستان سخن، بهار، ش ۲۱، ص ۱۴۹-۱۷۶.
- _____ (۱۳۹۵)، «تأثیر شعر سعدی بر تاریخ هشت بهشت»، همایش بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات فارسی. پوریانزاد، مهدی (۱۳۹۲)، «اوزون حسن آق قویونلو و غزا علیه گرجیان در گیرودار کشمکش با سلطان محمد فاتح»، تاریخ و فرهنگ، بهار و تابستان، ش ۹۰، ص ۳۱-۵۴.
- _____ حسنی، عطاءالله (۱۳۷۹)، «یادداشتی پیرامون یک مورخ ایرانی و آثار او (ادريس بدلیسی)»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، آبان و آذر، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۳۷-۳۹.
- _____ حافظ شیرازی (۱۳۷۹)، دیوان، به اهتمام جهانگیر منصور، براساس نسخه علامه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی، تهران، دیدار. حکیم نظامی گنجوی (۱۳۱۳ الف)، خسرو و شیرین، به اهتمام وحید دستگردی، تهران، مطبعة ارمان.
- _____ (۱۳۱۳ ب)، لیلی و مجنون، به اهتمام وحید دستگردی، تهران، مطبعة ارمان.
- _____ (۱۳۱۵)، هفت پیکر، به اهتمام وحید دستگردی، تهران، مطبعة ارمان.
- _____ (۱۳۱۳ ج)، مخزن الاسرار، به اهتمام وحید دستگردی، تهران، مطبعة ارمان.
- _____ (۱۳۱۶)، شرفنامه، به اهتمام وحید دستگردی، تهران، مطبعة ارمان.
- _____ (۱۳۱۷)، اقبالنامه / خردنامه، به اهتمام وحید دستگردی، تهران، مطبعة ارمان.
- _____ خسروشاهی، رضا (۱۳۵۴)، شعر و ادب فارسی در کشورهای همسایه (آسیای صغیر) تا سده دهم، [بی جا]، دانشگاه تربیت معلم.
- _____ دئیرمان چای، ویس (۱۳۹۷)، پارسی سرایان آسیای صغیر، ترجمه اسدالله واحد، تبریز: دانشگاه تبریز.
- _____ دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.
- _____ دیانت، علی اکبر (۱۳۷۵)، «احمدی»، در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۷، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف اسلامی، ص ۱۱۲-۱۱۴.
- _____ رحمانی، هما و سید حسین سیدی (۱۳۹۵)، «نگاهی تازه به تضمین و تطور تاریخی آن در آثار بلاغی عربی و فارسی»، ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۸، ش ۱۵، ص ۱۳۷-۱۶۱.
- _____ ریاحی، محمدامین (۱۳۶۹)، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تهران، پازنگ.
- _____ ریاحی، محمدامین (۱۳۵۰)، «نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱ (پیاپی ۷۵)، ص ۷۹-۱۰۳.
- _____ سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین (۱۴۰۳)، کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، با مقدمه محمدافشین وفایی، تهران، موقوفات دکتر محمود افشار.
- _____ سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدودبن آدم (۱۳۲۹/تاریخ مقدمه)، حدیقة الحقیقه، تصحیح مدرس رضوی، تهران، سپهر.
- _____ سیدحسین زاده، هدی (۱۳۹۵)، «میراث مشترک فرهنگی آق قویونلو و عثمانی: ادريس بدلیسی و آثارش»، مطالعات آسیای صغیر، بهار و تابستان، ش ۱، ص ۱۶۳-۱۸۲.
- _____ سیفی، فهیمه (۱۳۹۸)، پایان نامه کارشناسی ارشد، «تصحیح بهشت چهارم از نسخه خطی هشت بهشت تألیف ادريس بدلیسی»، به راهنمایی دکتر داود اسپرهم، دانشگاه علامه طباطبائی.
- _____ (۱۳۹۷)، «یک سند تاریخی، نامه ادريس بدلیسی به سلطان بایزید دوم»، مطالعات آسیای صغیر، ش ۶، ص ۱۱۵-۱۲۶.
- _____ شیخ محمود شبستری (۲۵۳۵)، گلشن راز، تصحیح و مقدمه جواد نوربخش، [بی جا]، چاپ فردوس.

- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۰)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس.
- ظهیرالدین محمد بابر (۱۴۰۴)، بایرنامه، تصحیح و تعلیق و مقدمه محمدرضا نصیری، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- عبادی، مهدی (۱۳۹۶)، «افول در اوج شکوه، بررسی تحلیلی مناسبات سلطان محمد فاتح و طبقه علمیه عثمانی»، تاریخ اسلام و ایران، ش ۳۴ (پیاپی ۱۲۴)، ص ۱۱۷-۱۳۸.
- فردوسی طوسی، حکیم ابوالقاسم (۱۳۸۲)، شاهنامه، بر پایه چاپ مسکو، تهران، هرمس.
- قزوینی حائری، یاسر (۱۳۸۹)، «گفتمان مشروعیت در هشت بهشت ادریس بدلیسی»، مطالعات تاریخ اسلام، س ۲، ش ۵، ص ۱۰۷-۱۲۷.
- کالیارد، علی (۱۳۹۳)، «بهشت هفتم (معرفی ترجمه ترکی تازه ای از هشت بهشت اثر ادریس بدلیسی)»، گزارش میراث، ش ۶۷ و ۶۶، ص ۶۱-۶۳.
- کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی (۱۳۴۸)، دیوان (به انضمام رساله القوس)، به اهتمام حسین بحر العلومی، تهران، کتابفروشی دهخدا.
- مفتاح، الهامه و وهاب ولی (۱۳۷۴)، نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- مولوی بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد (۱۳۹۸)، مثنوی معنوی، تصحیح محمدعلی موجد، تهران، هرمس - فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- مهدویان، محبوب و بهروز نصیری (۱۳۹۳)، «نفوذ و گسترش زبان و ادبیات فارسی در آسیای صغیر»، بهارستان سخن، س ۱۱، پاییز، ش ۲۶، ص ۱-۱۴.
- نشاط، سید محمود (۱۳۴۶)، زیب سخن (یا علم بدیع پارسی)، تهران، علمی.
- واعظ کاشفی، سید حسین (۱۳۹۹)، روضة الشهداء، تصحیح حسن ذوالفقاری، با همکاری صبا واصفی، تهران، علمی و فرهنگی.
- هامر پورگشتال، یوزف (۱۳۶۷)، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، به اهتمام جمشید کیانفر، [بی‌جا] زرین.
- Akkuş, Yasemin (2012), "Nizâmî ve Fuzûlî'nin Leylî vü Mecnun'unda "Nevfel" ve "Nevfel"li sahnelerin Mukâyesesi", *Divan Edebiyatı Araştırmaları Dergisi*, Sayı. 8, İstanbul, s. 1-20.
- Bitlisi, İdris (2008), *Heşt Bihişt*, Hazırlayanlar: Mehmet Karataş ve Selim Kaya ve Yaşar Baş, Ankara: Ostim.
- _____, İdris (2013), *Heşt Beheşt: Fatih Sultan Mehmed Devri (1451-1481)*, Tashih- Tahkil- Çeviri: Muhammed İbrahim Yilderim, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Çağlar, Arife (2019), "Şeyhinin Hüsrev ü Şirin Mesnevisinde Sosyal Hayat", *Divan Edebiyatı Araştırmaları Dergisi* 22, İstanbul, s. 171-260.
- Durmuş, İsmail (2003), "Leyla ve Mecnün", *Türkiye Diyanet Vakfı İşşam Ansiklopedisi* (tdv), Cilt 27, s. 159-160.
- Erkal, Mustafa (1999), "Hüsrev ve Şirin", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi* (tdv), Cilt 19, s.53-55.
- Fauç, Hanif (2003), "Leyla ve Mecnün", *Türkiye Diyanet Vakfı İşşam Ansiklopedisi* (tdv), Cilt 27, s. 161-162.
- Gökcan, Melike (2020), "Kültür ve Bilim Tarihinde İskender'le Bir Yolculuk: "İskendername" ve "Acaibu'l- Mahlukat" Türü Eserlerin Kökenleri ve İlişkileri", *Türkbilig*, Sayı. 40, s. 217-234.
- Hacıeminoğlu, Necmettin (1999), "Hüsrev ve Şirin", *Türkiye Diyanet Vakfı İşşam Ansiklopedisi* (tdv), Cilt 19, s.56.
- Imazava, Koji (2005), "İdris-İ Bitlisi'nin Heşt Bihişt İki Tıp Nüshası Üzerine Bir İnceleme", *Bellekten*, Sayı 256, s. 859-896.

- Karakütük, Seyhan (2024), "Osmanlı Sahasında Yazılmış Bir Mahzenül Esrar Naziresi Şemsî-i Bağdâdî'nin Manzar-i Ebrâr Mesnevîsi", *Doğu Araştırmaları*, Sayı. 29, s. 1-26.
- Kaska, Çetin (2020), "İdris-İ Bitlisi'nin Farsça Manzum Kırk Hadisi", *Bitlis Eren Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi* (BEU SBD), Sayı 9 (2), s. 151-162.
- Kazan Nas, Şevkiye (2023), "Klasik Türk Edebiyatında Hamse Geleneği ve Kaygusuz Abdal'ın Hamsesi", *Eski Türk Edebiyatı Araştırmaları Dergisi*, Cilt. 6, Sayı. 4, Aralık, s. 740-764.
- Özcan, Abdülkadir (2000), "İdris Bitlisi", *Türkiye Diyanet Vakfı İştâm Ansiklopedisi* (tdv), Cilt 21, s. 485-488.
- _____, Abdülkadir (1998), "Heşt Bihişt", *Türkiye Diyanet Vakfı İştâm Ansiklopedisi* (tdv), Cilt 17, s. 271-273.
- Özkan, Mustafa (1999), "Hüsrev ve Şirin", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi* (tdv), Cilt 19, s.56-57.
- Pala, İskender (2003), "Leyla ve Mecnûn", *Türkiye Diyanet Vakfı İştâm Ansiklopedisi* (tdv), Cilt 27, s. 162-164.
- Sever Demir, Seçil ve Serenat İstanbullu (2023), "Heft Peyker Mesnevisi Minyatürlerinde Eğlence Sahneleri ve Çalgılar", *İnönü Üniversitesi Kültür ve Sanat Dergisi*, Cilt. 9, Sayı. 1, s. 43-65.
- Tavukçu, Orhan Kemâl (2000), "Hüsrev ü Şirin Konulu Eserlerde Esas Kahraman Olarak Hüsrev veya Ferhad'ın Tercih Edilme Sebepleri", *A. Ü. Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Dergisi*, Sayı. 14, Erzurum, s. 143-148.
- Uğur, Ahmet (2023), "Ahmedî'nin "İskendername" Sinde Edebi Savaş Tasvirleri", *Eski Türk Edebiyatı Araştırmaları Dergisi*, Cilt. 6, Mart, Sayı. 1, s. 274-296.
- Ünver, İsmail (1998), "Heft Hân", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi* (tdv), Cilt 17, s. 158-159.
- Yazıcı, Tahsin (2003), "Leyla ve Mecnûn", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi* (tdv), Cilt 27, s. 160-161.
- Yazıcı, Tahsin ve Cemal Kanaz (1997), "Hamse", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi* (tdv), Cilt 15, s. 499-500.

References

- Akkush, Yasemin (2012), "A Comparison of "Nevfel" and "Nevfel-related" scenes in Nizami and Fuzuli's "Laylat al-Majnun"", *Journal of Classical Turkish Literature Studies*, Issue 8, Istanbul, pp. 1-20.
- Amir Khosrow Dehlavi (2008), *Dīvān*, Edited by Eghbal Salah al-Din, with an introduction by Mohammad Roshan, Tehran, Negah.
- Atash, Ahmad [n.d.], *Persian works in Anatolia from the 6th to the 8th centuries AH*, Translated by Sa'ime Inal Savi, Tehran, Imperial Army Printing House, Department of Public Relations and Historical Studies.
- Babor, Zahir al-Din Mohammad (2025), *Bābornāme*, Edited, annotated, and introduced by Mohammad-Reza Nasiri, Tehran, Dr. Mahmoud Afshar Endowment Foundation.
- Bedlisi, Idris (2008), "Heşt Bihişt", Prepared by Mehmet Karataş, Selim Kaya and Yaşar Baş, Ankara, Ostim.
- Bedlisi, Idris (2013), "Heşt Beheşt: The Reign of Sultan Mehmed the Conqueror (1451-1481)", Edited and Translated by Muhammed Ibrahim Yilderim, Ankara: Turkish Historical Society.
- Bedlisi, Idris. *Hasht Behesht*, Manuscript, Soleymaniye Library (Nourosmaniye), MS No. 3209.
- Bruseli, Mohammad Taher (1923), *Osmanli Moalleflari*, Istanbul, Matbaa-e Amere.
- Cha'lar, Arife (2019), "Social Life in the Sheikh's Khosrow and Shirin Masnavi", *Journal of Classical Turkish Literature Studies* 22, Istanbul, pp. 171-260.
- Degirmanchay, Veyis (2015), *Parsisarayan-e Asia-ye SaghiPersian* (poets of Asia Minor), Translated by Asadollah Vahed. Tabriz, University of Tabriz.

- Dehkhoda, Ali-Akbar (1994), *Loghatname*, Tehran, University of Tehran.
- Diyanat, Ali-Akbar (1996), "Ahmadi", *Encyclopaedia of the Great Islamic World*, vol. 7, edited by Kazem Mousavi Bojnourdi, Tehran, Center for the Great Islamic Encyclopaedia, pp. 112–114.
- Durmush, Ismail (2003), "Leyla and Majnun", *Turkish Religious Affairs Foundation Islamic Encyclopedia* (tdv), vol. 27, pp. 159-160.
- Ebadi, Mehdi (2017) "Decline at the Peak of Glory, An Analytical Study of the Relationship between Sultan Mehmed the Conqueror and the Ottoman Scholarly Class", *Journal of History of Islam and Iran*, vol. 34 (serial 124), pp. 117–138.
- Emami-Khoyi, Mohammad-Taghi (2008), "The Fratricide Law of Sultan Mehmed the Conqueror and the Method of Executing Members of the Dynasty", *Faculty of Literature and Humanities University of Tehran*, No. 185, pp. 23–35.
- Erkal, Mustefa (1999), "Khusraw and Shirin", *Turkish Religious Affairs Foundation Islamic Encyclopedia* (tdv), vol. 19, pp.53-55.
- Farugh, Hamf (2003), "Leyla and Majnun", *Turkish Religious Affairs Foundation Islamic Encyclopedia* (tdv), vol. 27, pp. 161-162.
- Ferdowsi, Abu al-ghasem (2003), *Shāhnāmeh*, Based on the Moscow edition, Tehran, Hermes.
- Ghazvini-Ha'eri, Yaser (2010), "The Discourse of Legitimacy in *Hešt Behešt* by Idris Bitlisi", *A Quarterly Journal of Historical Studies of Islam*, vol. 2, No. 5, pp. 107–127.
- Gookjan, Melike (2020), "A Journey with Alexander in the History of Culture and Science: The Origins and Relationships of Works of the "Iskendername" and "Acaibul-Mahlukat" Genres", *Türkbilig*, Issue, 40, pp. 217-234.
- Hacemino'lu, Nejmeddin (1999), "Khusraw and Shirin", *Turkish Religious Affairs Foundation Islamic Encyclopedia* (tdv), vol. 19, pp.56.
- Hafez Shirazi (2000), *Dīvān*. Edited by Jahangir Mansour, based on the editions of Mohammad ghazvini and ghasem Ghani. Tehran, Didar.
- Hammer-Purgstall, Joseph von (1988), *Tarikhe Emperaturi-ye Osmani* (History of the Ottoman Empire), Translated by Mirza Zaki Aliabadi, edited by Jamshid Kianfar, [n.p.], Zarrin.
- Hassani, Ataallah (2000), "A Note on an Iranian Historian and His Works (Idris Bedlisi)", *Ketab-e Mah-e Tarikh va Joghrafiya*, 37–38, Nov–Dec, pp. 37–39.
- Imazava, Koji (2005), "A Study on Two Types of Manuscripts of İdris-i Bitlisi's Hešt Bihišt", *Remembering*, Number 256, pp. 859-896.
- Kalirad, Ali (2014), "The Seventh Paradise, An Introduction to a New Turkish Translation of *Hešt Behešt* by Idris Bitlisi", *Gozāresh-e Mirās*, vol. 66–67, pp. 61–63.
- Kamal al-Din Esma'il Isfahani (1969), *Dīvān* (with *Resālat al-Qaws*), Edited by Hossein Bahr al-Olumi, Tehran, Dehkhoda Bookstore.
- Karakutuk, Seyhan (2024), "A Parody of Mahzenül Esrar Written in the Ottoman Realm: Şemsî-i Bağdâdî's Manzar-i Ebrâr Mesnevi", *Eastern Studies*, Issue 29, s. 1-26.
- Kaska, Chetin (2020), "Idris-i Bitlisi's Forty Hadiths in Persian Verse", *Bitlis Eren University Journal of Social Sciences* (BEU SBD), No. 9 (2), pp. 151-162.
- Kazan Nas, Shevkiye (2023), "The Hamse Tradition in Classical Turkish Literature and Kaygusuz Abdal's Hamse", *Journal of Old Turkish Literature Studies*, vol. 6, No. 4, December, pp. 740-764.
- Khosrowshahi, Reza (1975), *Sher va Adab-e Farsi dar Keshvarha-ye Hamsaye (Asia-ye Saghir) ta Sadeh-ye Dahom*, [n.p.], University of Teacher Training press.
- Mahdavian, Mahboub and Behrouz Nasiri (2014), "The Influence and Expansion of the Persian Language and Literature in Asia Minor", *Baharestan-e Sokhon*, vol. 11, no. 26, Fall, pp. 1–14.

- Meftah, Elhameh and Vahhab Vali (1995), *Negahi be Ravand-e Nofuz-e va Gostaresh-e Zaban va Adab-e Farsi dar Turkiye*, Tehran, Council for the Expansion of Persian Language and Literature.
- Molavi-ye Balkhi, Jalal al-Din Mohammad (2019), *Masnavi-ye Ma'navi*, Edited by Mohammad-Ali Movahed, Tehran, Hermes-Academy of Persian Language and Literature.
- Neshat, Seyyed Mahmoud (1967) *Zīb-e Sokhan (The Science of Persian Badi')*, Tehran, Elmi.
- Nezami Ganjavi (1934a), *Khosrow and Shirin*, Edited by Vahid Dastgerdi, Tehran, Armaghan Press.
- (1934b), *Leyli and Majnun*. Edited by Vahid Dastgerdi, Tehran, Armaghan Press.
- (1936), *Haft Peykar*, Edited by Vahid Dastgerdi, Tehran, Armaghan Press.
- (1934c), *Makhzan al-Asrar*, Edited by Vahid Dastgerdi, Tehran, Armaghan Press.
- (1937), *Sharaf-nāme*, Edited by Vahid Dastgerdi, Tehran, Armaghan Press.
- (1938), *Eghbāl-nāme / Kherad-nāme*, Edited by Vahid Dastgerdi, Tehran, Armaghan Press.
- Ozjan, Abdulghadir (1998), “Hešt Bihišt”, *Turkish Religious Affairs Foundation Islamic Encyclopedia* (tdv), vol. 17, pp. 271-273.
- Ozjan, Abdulghadir (2000), “Idris Bitlisi”, *Turkish Religious Affairs Foundation Islamic Encyclopedia* (tdv), vol. 21, pp. 485-488.
- Ozkan, Mustafa (1999), “Khosrow and Shirin”, *Turkish Religious Affairs Foundation Islamic Encyclopedia* (tdv), vol. 19, pp.56-57.
- Pakzad, Mehri (2011), “On the Recognition of *Hešt Behešt* by Idris Bitlisi”, *Adabiat-e Farsi* 29, Spring, pp. 156–189.
- (2010), “Idris Bedlisi, *Hešt Behešt*, and His Other Works”, *Pajuheshname-ye Farhang va Adab* 6, No. 10, Fall–Winter, pp. 68–94.
- (2013), “Elements of Iranian Culture in *Hešt Behešt* by Idris Bitlisi.” *Baharestan-e Sokhan* 21, Spring, pp. 149–176.
- (2016), “The Influence of Sa’di’s Poetry on the Historical Work *Hešt Behešt*.” *Proceedings of the International Conference on Orientalism, History, and Persian Literature*.
- Pala, Iskender (2003), “Leyla and Majnun”, *Turkish Religious Affairs Foundation Islamic Encyclopedia* (tdv), vol. 27, pp. 162-164.
- Pourianezhad, Mehdi (2013), “Uzun Hasan of the Aq Qoyunlu and the Ghazā’ against the Georgians amid Conflicts with Sultan Mehmed the Conqueror.” *History and Culture*, No. 90, Spring–Summer, pp. 31–54.
- Rahmani, Homa and Seyyed Hossein Seyyedi (2016), “A New Look at *Tazmin* and Its Historical Development in Arabic and Persian Rhetorical Works” *Comparative Literaturer, Shahid Bahonar University of Kerman* 8, No. 15, pp. 137–161.
- Riahi, Mohammad-Amin (1990), *Zaban va Adabe Farsi dar Qalamro-ye Osmani*, Tehran, Pazhang.
- (1971), “The Influence of Persian Language and Literature in the Ottoman Territories” *Faculty of Letters and Humanities, University of Tehran Journal* 1 (serial 75), pp. 79–103.
- Sa’di Shirazi (2024), *Koliat-e Sa’di*, Edited by Mohammad-Ali Foroughi, with an introduction by Mohammad-Afshin Vafayi, Tehran, Dr. Mahmoud Afshar Endowments.
- Safa, Zabihollah (1991), *Tarikh-e Adabiat dar Iran*, Tehran, Ferdows.
- Sana’i Ghaznavi, Abu al-Majd Majdud b. Adam (1950), *Hadīghat al-Haghīgha*, Edited by Modarres Razavi, Tehran, Sepehr.

- Seifi, Fahimeh (2019) "A Critical Edition of the Fourth Paradise of the Manuscript *Hešt Behešt* by Idris Bitlisi", MA thesis, Allameh Tabatabayi University.
- (2018), "A Historical Document, Idris Bitlisi's Letter to Sultan Bayezid II", *Asia Minor Studies*, No. 6, pp. 115–126.
- Sever Demir, Sevil and Serenat Istanbulu (2023), "Entertainment Scenes and Musical Instruments in the Miniatures of the Heft Peyker Masnavi", *Inonu University Journal of Culture and Arts*, vol. 9, No. 1, pp. 43-65.
- Seyyed-Hosseinzadeh, Hoda (2016), "The Shared Cultural Heritage of the Aq Qoyunlu and the Ottomans, Idris Bitlisi and His Works", *Asia Minor Studies*, No. 1, Spring–Summer, pp. 163–182.
- Shabestari, Shaykh Mahmoud (1976), *Golshan-e Rāz*, Edited and introduced by Javad Nourbakhsh, [n.p.], Ferdows Press.
- Tavukchu, Orhan Kemal (2000), "Reasons for Choosing Khosrow or Farhad as the Main Hero in Works on the Khosrow and Shirin Story", *A.U. Journal of Turkic Studies Institute*, Issue, No. 14, Erzurum, pp. 143-148.
- Unver, Ismail (1998), "Heft Khan", *Turkish Religious Affairs Foundation Islamic Encyclopedia* (tdv), vol. 17, pp. 158-159.
- U'ur, Ahmad (2023), "Literary Descriptions of War in Ahmedī's 'İskendername'", *Journal of Old Turkish Literature Studies*, vol. 6, March, No. 1, pp. 274-296.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı (1990), *Tarikh-e Osmani*, Translated by Iraj Nobakht. [n.p.], Keyhan.
- Va'ez-e Kashafi, Seyyed Hossein (2020), *Rawzat al-Shohadā'*, Edited by Hassan Zolfaghari, with collaboration of Saba Vasfi, Tehran, Elmi - Farhangi.
- Yaziji, Tahsin (2003), "Leyla and Majnun", *Turkish Religious Affairs Foundation Islamic Encyclopedia* (tdv), vol. 27, pp. 160-161.
- Yaziji, Tahsin and Jamal Kanaz (1997), "Hamse", *Turkish Religious Affairs Foundation Islamic Encyclopedia* (tdv), vol. 15, pp. 499-500.